

چشیدن طعم عشق و رابطه عاشقانه واقعی در گرو شناخت اوست!!!



چشیدن طعم عشق و رابطه عاشقانه واقعی در گرو شناخت اوست!!!

دوستان گرامی ، عیسی مسیح (تجلی و تجسم روح خدا در جسم) اسامی و لقب‌های بسیاری دارد. نام «عیسی» یعنی «کسی که نجات می‌دهد». ما معمولاً لقب «مسیح» را به نام او اضافه می‌کنیم. واژه «مسیح» از واژه عبری «ماشیح» گرفته شده است «مسیح» یا «ماشیح» به معنی «مسح شده» یا «کسی که خدا او را برای خدمت مسح کرده» می‌باشد.

زمانی که عیسی چشم به جهان گشود، یهودیان چند صد سال بود که در انتظار آن شخص «مسح شده» بودند. اشعای نبی در مورد ماشیح موعود نوشته بود که او کسی است که گناهان و غمهای انسانها را بر خود می‌گیرد (اشعیا ۵۲: ۱-۱۲)؛ او نوشته بود که مسیح حتی خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد (اشعیا ۹: ۶). با وجود این، یهودیان در انتظار پادشاهی بودند که ایشان را در راه پیروزی سیاسی بر امپراطوری روم رهبری نماید. آنان اعتقاد نداشتند که ماشیح موعود، پسر خدا خواهد بود که باید همانند یک انسان بر زمین بیاید و اینکه بر صلیب بمیرد. اصطلاحات «پسر خدا» و «پسر انسان» اصطلاحات دیگری هستند که در مورد عیسی به کار گرفته شده اند (به مرقس ۲: ۱۰، یوحنا ۱: ۱۴، ۱۸، ۳۴ و ۵: ۲۵-۲۷ و تفسیر آنها مراجعه کنید). واژه «پسر خدا» معمولاً بر الوهیت عیسی تاکید دارد و واژه «پسر انسان» معمولاً بر نقش او به عنوان مسیح. در عهد عتیق، مسیح «پسر انسان» نامیده شده است. (دانیال ۷: ۱۳-۱۴). اگر چه این مسیح یا «پسر انسان» از آسمان نازل می‌شد و پرستشی را که شایسته خدا بود، برای خویشتن می‌پذیرفت، اما عیسی در طول زندگی

بشری خود، هر گاه که واژه «پسر انسان» را به کار می‌گیرد، بر انسانیت خود تاکید دارد (متی ۸: ۲۰؛ ۱۱: ۱۹؛ ۱۷: ۲۲-۲۳). این واژه‌ها در متی ۲۶: ۶۳-۶۵، به شکل مترادف و هم معنی به کار رفته اند. ما باید در مورد عیسی مسیح دو موضوع را مدنظر داشته باشیم: نخست آن که وی کاملا انسان؛ دوم آن که او کاملا خدا نیز هست. او هم انسان است و هم خدا (رومیان ۱: ۳-۴).

عیسی خدا است



عیسی از خصوصیات الهی برخوردار است. او موجودی ازلی است که همواره خدا بوده است (یوحنا ۱: ۱-۲، ۱۷: ۱-۵). عیسی در آفرینش جهان نقش داشته است (یوحنا ۱: ۳، کولسیان ۱: ۱۶-۱۷، عبرانیان ۱: ۲). خدا در عیسی بوده و عیسی در خدا (یوحنا ۱: ۱۰، ۱۷: ۲۱، ۲۳). عیسی پسر یگانه یا نخست زاده خدا خوانده شده است (یوحنا ۳: ۱۶-۱۸، کولسیان ۱: ۱۵، ۱۸، عبرانیان ۱: ۶). کتاب مقدس به شکل مشخص خاطر نشان می‌سازد که عیسی پدر را به ما نشان داده است (یوحنا ۱: ۱۸، ۱۴: ۹) و نیز این که او صورت خدای نادیده (کولسیان ۱: ۱۵) و خاتم جوهر خدا است (عبرانیان ۱: ۳). کتاب مقدس همچنین خاطر نشان می‌سازد که عیسی با خدا یکی است (یوحنا ۱۰: ۳۰، ۱۷: ۱۱، ۲۲) و با او برابر است (فیلیپیان ۲: ۶). در واقع، کتاب مقدس صریحا اعلان می‌کند که عیسی خدا است (یوحنا ۱: ۱، رومیان ۹: ۵، عبرانیان ۱: ۸). عیسی فقط از بخشی از الوهیت برخوردار نیست، بلکه پُری الوهیت در او ساکن است (کولسیان ۱: ۱۹، ۲: ۹). او کاملا خدا است.

عیسی انسان است



چشیدن طعم عشق و رابطه عاشقانه واقعی در گرو شناخت اوست!!!
چشیدن طعم عشق و رابطه عاشقانه واقعی در گرو شناخت اوست!!!

اما در عین حال، عیسی کاملاً انسان است. اگر چه نطفه او توسط روح القدس بسته شد. اما او مادری داشت که انسان بود و به عنوان یک کودک قدم بدین جهان گذاشت (متی ۱: ۲۰، لوقا ۱: ۳۴-۳۵). اگر چه عیسی خدا بود، اما به شباهت مردمان شد (فیلیپیان ۲: ۷) انسانها می‌توانستند او را ببینند و لمس کنند (اول یوحنا ۱: ۱-۲)؛ او همانند انسانهای دیگر خسته، تشنه، و گرسنه می‌شد و همچون دیگر انسانها می‌گریست. عیسی آزموده شده در هر چیز به مثال ما است (عبرانیان ۴: ۱۵). همانند ما، عیسی نیز در مواردی که خدا آینده را بر او مکشوف نمی‌ساخت، اطلاعی از آینده نداشت (مرقس ۱۳: ۳۲). اعتقاد به این موضوع که عیسی کاملاً انسان شد، اهمیتی حیاتی دارد. یوحنا موضوع را آزمونی می‌داند برای تشخیص کسانی که روح خدا را دارند از آنانی که او را ندارند؛ او می‌گوید که انبیای دروغین و فریبکار، این موضوع را انکار می‌کنند که عیسی در جسم ظاهر شد (اول یوحنا ۴: ۱-۲).

بدعت‌هایی در مورد عیسی

کلیسا از همان ابتدای تاریخ خود، با اشخاصی روبرو شد که آموزه‌های نادرستی را در مورد عیسی تعلیم می‌دادند. حتی امروزه نیز اشخاصی هستند که با پیروی از تعالیم نادرست در مورد عیسی، در طریق گمراهی گام بر می‌دارند. این تعالیم نادرست را می‌توان به سه گروه اصلی تقسیم کرد. نخستین گروه از تعالیم نادرست، این دیدگاه را مطرح می‌کنند که عیسی صرفاً یک انسان بود و به هیچوجه خدا

نبود. کسانی که چنین دیدگاهی دارند، معتقدند که عیسی معلم بزرگ اخلاق بود و خدا نیز او را تایید فرمود، اما خدا بودن عیسی را انکار می‌کنند.

دومین گروه از تعالیم نادرست، در نقطه مقابل تعلیم فوق قرار دارد، یعنی این دیدگاه را مطرح می‌سازد که عیسی خدا بود، اما انسان نبود. برخی از پیروان این گروه می‌گویند که عیسی تنها روح بود و بدنی همانند انسانهای دیگر نداشت. برخی دیگر نیز می‌گویند که روح عیسی، روح یک انسان نبود، بلکه او فقط دارای روح خدا بود که در بدن انسانی ساکن شده بود. اما این دیدگاه نیز نادرست است زیرا عیسی انسانی کامل بود که هم دارای بدنی انسانی و هم دارای روح انسانی بود (عبرانیان ۲: ۱۷-۱۸).

سومین گروه از تعالیم نادرست، این است که عیسی از الوهیت برخوردار بود، اما این الوهیت در مرتبه‌ای پایینتر از خدای پدر قرار داشت. کسانی که چنین دیدگاهی دارند، بر این عقیده اند که بدن، ناپاک و گناه آلود است؛ لذا خدای پاک هرگز در بدن انسانی ظاهر نمی‌شود. بنابراین، پیروان این گروه معتقدند که عیسی از نظر الوهیت در مرتبه‌ای پایینتر از خدا قرار داشت، اما خود خدا نبود. این گروه (که نمی‌توان آنها را مسیحیان حقیقی دانست)، به آیاتی اشاره می‌کنند که در آنها عیسی گفته که پدر از وی بزرگتر است (یوحنا ۱۴: ۲۸). درست است که عیسی در این آیات پدر را بزرگتر از خود می‌داند، اما علتش این است که او در دوره زندگی بشری خود، در جسم انسانی بود و برای کاری خاص آمده بود. در آیات دیگر عیسی می‌گوید: «من و پدر یک هستیم» (یوحنا ۱۰: ۳۰)؛ «کسی که مرا دید پدر را دیده است» (یوحنا ۱۴: ۹). یوحنا با صراحت می‌گوید که عیسی در ابتدا نزد خدا بود و او خدا بود (یوحنا ۱: ۱). بنابراین، همانگونه که در سطور فوق دیدیم، عیسی کاملاً خدا و کاملاً انسان بود.

عمل عیسی مسیح



چشیدن طعم عشق و رابطه عاشقانه واقعی در گرو شناخت اوست!!!

عیسی هم آفریننده جهان است و هم نگاهدارنده آن (کولسیان ۱: ۳، ۱۰، کولسیان ۱: ۱۶-۱۷، عبرانیان ۱: ۲-۳). عیسی در آسمان نماند بلکه جلالی را که در آنجا داشت ترک کرد (یوحنا ۱۷: ۱-۵) و انسان شد. برای تجسم عیسی به عنوان انسان دو دلیل مهم وجود دارد. دلیل نخست برای تجسم وی این است که هنگامی که ما به عیسی می‌نگریم، می‌توانیم ببینیم که خدا چگونه است. هیچکس تا کنون خدا را ندیده است (یوحنا ۶: ۴۶)، اما عیسی پدر را به ما نشان داده است (یوحنا ۱۲: ۴۵، ۱۴: ۷-۹). برای مثال ما با نگرستن به عیسی و توجه به آنچه که وی گفت و انجام داد، نه تنها می‌توانیم از این موضوع آگاه شویم که خدای پدر نیکو و پر محبت است و گناهان ما را آمرزیده است، بلکه همچنین در می‌یابیم که او به همه نیازها و مسائل ما توجه دارد.

دومین دلیل برای تجسم عیسی، مرگ و قیام او برای نجات ماست. کتاب مقدس از عیسی به عنوان کسی سخن می‌گوید که به خاطر ما «فدا» شد، یعنی کسی که جان خود را فدا کرد تا ما را از گناه و لعنت آن رهایی بخشد (به مرقس ۱۰: ۴۵ و غلاطیان ۳: ۱۳ و تفسیر آن مراجعه کنید). عیسی بهای آزادی ما را با نقره یا طلا نپرداخت، بلکه با خون گرانقدر خودش (اول پطرس ۱: ۱۸-۱۹). کفاره او ما را از قدرت ظلمت رهانیده، به ملکوت پسر محبت خود منتقل ساخت (کولسیان ۱: ۱۴).

خدای مقدس باید گناه را رد کرده، آن را مجازات کند. اما عیسی با مرگ خود بر صلیب، گناهان ما و مجازات آن را بر خود گرفت. به همین دلیل است که گفته شده که عیسی کفاره ما است، بدین معنی که او خواسته‌های بر حق خدایی مقدس را بر آورده ساخت (رومیان ۳: ۲۵، اول یوحنا ۲: ۲). کفاره مسیح این امکان را به خدا داد تا گناهکاران را ببامرزد و در عین حال مقدس باقی بماند. زیرا وی به جای نادیده گرفتن گناه، آن را مجازات کرد. ما به خاطر گناهانمان از خدا جدا بودیم، اما خدا ما را بواسطه عیسی مسیح (دوم قرن‌تیاں ۵: ۱۸) و خون او (رومیان ۵: ۱، ۹: ۱۱، کولسیان ۱: ۲۰-۲۲) با خود مصالحه داده است. با مرگ مسیح بر صلیب و ریخته شدن خون وی، ما آمرزش گناهان را به دست می‌آوریم، نه بدین معنی که خدا گناهان ما را نادیده می‌گیرد، بلکه اینکه گناهان ما را بر می‌دارد (کولسیان ۲: ۱۳-۱۴، عبرانیان ۱۰: ۱۷) و ما را پاک می‌سازد (عبرانیان ۹: ۱۴، ۲۲، اول یوحنا ۱: ۷-۹) و با مرگ عیسی بر صلیب، او ابلیس را شکست داد و کار او را تباه ساخت (یوحنا ۱۲: ۳۱، عبرانیان ۲: ۱۴-۱۵). بسیاری از مسیحیان بر این عقیده اند که عیسی مرض‌های ما را نیز بر صلیب بر خود گرفت؛ به این ترتیب، برای بدنهای ما شفا و برای روح‌های ما آزادی از ارواح شریر را به ارمغان آورد؛ (اشعیا ۵۳: ۴-۵، متی ۸: ۱۶-۱۷، مرقس ۱: ۲۷). عیسی با قیام خود امکان قیام بدنی ما را فراهم ساخته و به ما حیات ابدی بخشیده است (یوحنا ۶: ۵۴-۵۸، ۱۱: ۲۵-۲۶، اول قرن‌تیاں ۱۵: ۲۰-۲۲).

تمامی این برکات را عیسی با مرگ خود بر صلیب برای ما فراهم ساخت. اما عیسی کار دیگری نیز دارد که هنوز ادامه دارد. عیسی در روز پنطیکاست، روح‌القدس را فرستاد تا به کلیسا قدرت بخشد (یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۷، ۱۵: ۲۶-۲۷، اعمال ۲: ۱-۴)؛ او هنوز هم روح‌القدس خود را می‌فرستد. او وعده داده است که توسط روح‌القدس همواره همراه ما باشد (متی ۱۸: ۲۰، ۲۰: ۲۸، یوحنا ۱۴: ۱۶-۱۸). عیسی در آسمان برای ما شفاعت می‌کند و ما را مدد می‌رساند و برای ما دعا می‌کند (رومیان ۸: ۳۴، اول یوحنا ۲: ۱). عیسی همچنان «سر» کلیسا است (افسسیان ۵: ۲۳، کولسیان ۱: ۱۸) و نیز بر همه

چیز حاکم است (متی ۲۸: ۱۸، افسسیان ۱: ۲۰-۲۲، فیلیپیان ۲: ۹-۱۱).

بی نظیر بودن مسیح



چشیدن طعم عشق و رابطه عاشقانه واقعی در گرو شناخت اوست!!!

عیسی مانند رهبران مذهبی دیگر یا بنیان گذران مذاهب دیگر نیست. بسیاری از شخصیت‌های مذهبی یا خدا انگاشته شده اند یا انسان، اما نه هر دو. آن شخصیت‌های مذهبی که انسان انگاشته شده اند، مرده اند و هیچکس ادعا نکرده که مجدداً از مردگان برخاسته اند.

عیسی تجسم واقعی خدا است. برخی تصور می‌کنند که عیسی فقط یک تجسم از تجسم‌های متعدد خدا است، اما چنین نیست. خدای زنده حقیقی تنها یک مجسم داشته است که همانا عیسی مسیح بوده است. کسی که ادعا می‌کند تجسم حقیقی خدا است، باید یک زندگی کاملاً انسانی داشته باشد، اما در عین حال، با زندگی خود نشان دهد که کاملاً خدا است (رومیان ۱: ۳-۴). کسی که ادعا دارد تجسم حقیقی خدا است، باید در زندگی خود عاری از گناه باشد. تنها عیسی زندگی بی کاملاً انسانی داشت و در عین حال، این زندگی را بدون گناه سپری کرد (عبرانیان ۴: ۱۵، اول پطرس ۲: ۲۲). افرادی که در طول تاریخ ادعا کرده اند که تجسم خدا هستند، از چنین خصائصی برخوردار نبودند.

عیسی واسطه‌ای حقیقی بین خدا و انسان است، زیرا او هم خدا و هم انسان است (عبرانیان ۹: ۱۵). عیسی برای اینکه کفاره انسانها باشد، باید انسان می‌بود (عبرانیان ۹: ۱۵). از سوی دیگر، حقیقتاً باید خدا می‌بود (عبرانیان ۹: ۱۴). و عیسی حقیقتاً باید انسان می‌بود تا به جای انسان بتواند شیطان را شکست دهد (عبرانیان ۲: ۱۴-۱۷)؛ و برای اینکه به اندازه کافی نیرومند باشد که شیطان و ارواح

شریر را شکست دهد، باید خدا می‌بود (کولسیان ۱۵: ۲۶، مکاشفه ۱۹: ۱۱-۲۱).

عیسی فقط نقش یک راهنما را در طریق نجات ایفا نمی‌کند؛ او در واقع خودش این راه است (یوحنا ۱۴: ۶). عیسی نه تنها واعظی است که ما را تشویق می‌کند تا زندگی خدا پسندانه‌ای داشته باشیم، بلکه این قدرت را نیز به ما می‌دهد تا بتوانیم اینچنین زندگی کنیم. وی به ما قدرت می‌دهد تا عادل باشیم. عیسی توسط قدرت روح‌القدس به ما این آزادی را می‌دهد تا از اسارت گناه آزاد باشیم. عیسی نه تنها تعلیم صحیح را به ما می‌دهد، بلکه حیات ابدی نیز به ما می‌بخشد.

عیسی تنها طریق به سوی خدا است. «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی‌آید» (یوحنا ۱۴: ۶). پطرس رسول نیز می‌فرماید: «و در هیچ کس غیر از او نجات نیست زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان ما باید نجات یابیم» (اعمال ۴: ۱۲).

در فیض و برکت دستان عیسی مسیح خداوند باشید. آمین